

بیست و سوم نماز روز عاشورا ، و آن چهار رکعت است .
 در رکعت اول بکنوت سوره فاتحه بخواند و بکنوت
 سوره قل یا ایها الکافرون ، و در رکعت دوم بکنوت
 سوره فاتحه و بکنوت سوره قل هو الله ، و در رکعت سوم
 بکنوت سوره فاتحه و بکنوت سوره احزاب ، و در رکعت
 چهارم بکنوت سوره فاتحه و بکنوت سوره مافقی ، و
 بعد از آن نماز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند .
بیست و چهارم نماز روز نوروز است ، و آن چهار رکعت
 است به دو سلام . در رکعت اول بکنوت سوره فاتحه و ده
 نوبت سوره انا انزلناه بخواند ، و در رکعت دوم بعد
 از سوره فاتحه ده نوبت سوره قل یا ایها الکافرون ، و
 در رکعت سوم بعد از سوره فاتحه ده نوبت سوره قل
 هو الله احد ، و در رکعت چهارم بعد از فاتحه ده نوبت
 سوره قل اعوذ برب الفلق و ده نوبت سوره قل اعوذ
 برب الناس ، و بعد از سلام بسجده رود و این دعا را در
 سجده بخواند (متن دعا) ، و وقت این نماز بعد از
 فارغ شدن است از نماز ظهر و عصر و نافله آن که در
 اول وقت گذاره شود .

و چون نماز گذار از هر یک از نمازهای واجب و
 مستحب فارغ شود سنت است که به تعقیب اشتغال نماید ،
 و اول تعقیب به نوبت الله اکبر گفتن است و در هر نوبت
 دستها را بنزدیک گوش برساند و بعد از آن بگوید (متن
 مفصل دعا) . و بعد از آن تسبیح فاطمه زهرا علیهما
 السلام را بجا آورد ، و آن سی و چهار نوبت الله اکبر است
 و سی و سی نوبت الحمد لله و سی و سه نوبت سبحان الله ،
 و باید که بعد از تسبیح فاطمه زهرا علیهما السلام سوره
 توحید را دو اذده نوبت بخواند ، و بعد از آن دستها گشوده
 این دعا را بخواند (متن دعا) ، بعد از آن سجده شکر

بحا آورد . و باید که در سجده شکر پیشانی را بر خاک
 گذارد که البته خاک کربلا افضل است ، و ساق و دستها
 و سینه و سگم را بر زمین برساند و این دعا را بخواند
 (منی دعا) ، بعد از آن سه نوبت بگوید (منی دعا) ،
 بعد از آن جانب راست روی خود را بر زمین گدازد و
 بگوید (منی دعا) ، بعد از آن جانب چپ رو را بر
 سجده گاه گذارد و سه نوبت بگوید (منی دعا) ، بعد
 از آن نوبت دیگر پیشانی را بر سجده گاه گذارد و صد
 مرتبه شکرأ شکرأ بگوید ، و چون سر از سجده بر دارد
 دست راست را سه نوبت بر سجده گاه گذارد و هر نوبت
 بر جانب چپ رو و پیشانی و جانب راست رو بمالد و بگوید
 (منی دعا) . (جامع عباسی ، باب دوم ، احکام
 نمازهای واحی و مستحب
 و افعال واجبه در نماز)

— میتوان بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین
 میروید مانند چوب و برگ درخت سجده کرد . ولی احتیاط
 واجب آن است که بر برگ درخت مو اگر تازه باشد سجده
 نکنند . سجده بر چیزهایی که خوراک حیوان است مثل
 علف و گاه صحیح است ، ولی بر گیاهی که خوردن آن در
 بعضی از شهرها معمول است و در شهرهای دیگر معمول
 نیست ، صحیح نیست ، و نیز صحیح نیست سجده بر میوه
 نارس . اما سجده بر گلپهائی که خوراکی نیستند صحیح
 است و بردوهای خوراکی که از زمین میروید مانند گل
 بنفشه و گل گاوزبان صحیح نیست . به آهک پخته و کوزه
 گلی و کاغذی که از گاه یا پنبه ساخته باشند میشود
 سجده کرد .

— سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز
 اشکال ندارد ، ولی گفتن آخ نماز را باطل میکند .

— در حال نماز ، اگر دیگری سلام کند ، شما را
گذار باید جواب دهد " السلام علیکم " و باید بگوید
" علیکم السلام " .

— از روزه آنچه نماز را باطل میکند آن است که
برای کار دنیا یا صدای گریه کند ، ولی اگر برای کار
دنیایی صدای گریه کند اشکال ندارد . همچنین باطل
میکند نماز را دست زدن و به هوا پرت کردن . و مکروه
است در نماز که باریش خود بازی کند یا چشمها را هم
بگذارد . و پوشیدن جوراب تنگ در نماز مکروه است .

— کسیکه با ظالم مسافرت میکند باید نماز را
تمام بخواند ، و اگر برای نجات دادن مظلومی یا او
مسافرت میکند نماز را شکسته بخواند . و اگر برای فرار
از دادن قرض مسافرت نماید (!) باید نماز را تمام
بخواند .

— کسیکه برای کار حرام سفر نمیکند ، اگر در
سفر شراب بخورد باید نماز را شکسته بخواند .

— کسیکه برای معصیت سفر کرده ، موقعی که از
سفر برمیگردد اگر توبه کرده باید نماز را شکسته
بخواند و اگر توبه نکرده باید تمام بخواند . و اگر
در بین راه از قصد معصیت برگردد ، چنانچه باقیمانده
راه هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ رفت و برگشت ، باید
نماز را شکسته بخواند . و اگر برای معصیت سفر نکرده
ولی در بین راه قصد کند که بقیه راه را برای معصیت
برود (!) باید نماز را تمام بخواند ، اما نمازهایی
را که شکسته خوانده صحیح است .

(آیه اله خمینی ، توضیح)

المسائل ، احکام مستحبات

و مکروهات سجده ، و احکام

نماز مسافر)

در احکام روزه

از آنچه بفعل آوردن آن در روزه واجب حرام است ؛ اول چیزی خوردن و آشامیدن ، و بعضی از محنهدین را عقیده آنست که خوردن پوست تخم مرغ و برگ درخت روزه را باطل نمیکند و این عقیده ضعیف است . دوم انزال منی است عمداً بهر طریق که باشد ، اما اگر روزه دار در روز محتلم شود روزه او باطل نمیشود . سوم داخل کردن حشفه (آلت) است عمداً در قـسـل یا دبر (جلویا عقب) آدم زنده یا مرده ، پس اگر چنین کند روزه فاعل یا مفعول هردو باطل میشود ، و اگر شخصی در روز زن خود را به زور جماع کند کفاره خود و آن زن در گردن مرد است ، و اگر زن مرد را به زور به جماع وا دارد (!) کفاره زن و مرد بر زن است . چهارم عمداً بر جنابت ماندن است تا وقت صبح و در زن تأخیر غسل حیض یا استحاضه یا نفاس تا وقت صبح .
— و اگر طبیب حاذق گوید که علاج بیمار منحصر است در مجامعت ، و تأخیر مجامعت تا شب خطر عظیم دارد (!) در اینصورت مجامعت در روز ماه رمضان واجب میشود . پس اگر زن یا کنیزک این کس روزه واجب داشته باشند و عورتی دیگر که روزه بر او واجب نباشد یافت نشود زن خود یا کنیز خود را میتواند که به زور مجامعت کند ، ولی برایشان ممانعت آنقدر که توانند لازم است . . . و نیز واجب است مباشرت با حلال خود کردن در شب اول ماه رمضان .

— و آنچه روزه دار را بفعل آوردن آن مکروه است
 یازده امر است : اول شعرخواندن اگرچه مدح حضرات
 مقدسات باشد . دوم مکتب‌سپار درحمام کردن . سوم
 زنان را بوسیدن یا بآست بازی کردن . چهارم شاف
 برداشتن . پنجم حفنه کردن . ششم سقر خائیدن .
هفتم درگوش یا سینی چیزی جکانیدن . هشتم شکوفه
 و گل بوکردن علی الخصوص نرگس را . نهم بیراهن بر
 خود تر کردن . دهم سرمه که مشک یا صرداشته باشد
 در چشم کشیدن . یازدهم زنان را در آب مکت کردن .

(جامع عباسی ، باب چهارم ،
 احکام روزه‌های واحسی و
 مستحی و حرام و مکروه ،
 و مبطلات روزه)

— اگر شخصی پیش از اذان صبح نیت روزه کند و
 مست شود و درسین روز بهوش آید ، احتیاط واجب آن است
 که روزه آنروز را تمام کند و قضای آنرا هم بجا آورد .
 — جماع روزه را باطل میکند ، اگرچه فقط بمقدار
 ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید .
 — اگر کمتر از مقدار ختنه‌گاه داخل شود و منی
 هم بیرون نیاید روزه باطل نمیشود .
 — کسی که آلتش را بریده‌اند اگر کمتر از ختنه‌گاه
 را هم داخل کند (!) روزه‌اش باطل میشود .
 — کسی که آلتش را بریده‌اند اگر شک کند که دخول
 شده یا نه (!) روزه او صحیح است .
 — اگر کسی شک کند که باندازه ختنه‌گاه داخل
 شده یا نه روزه او صحیح است .

- اگر کسی فراموش کند که روزه است، یا او را به جماع مجبور نمایند (!) روزه او باطل نمیشود .
- اگر بی اختیار منی از او بیرون آید روزه اش باطل است .
- اگر روزه دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود ، واجب نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند (!)
- برای روزه دار مکروه است استعمال شاف ، و اینکه بدون قصد بیرون آمدن منی زن خود را بسوید .
- اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند ، مثل شراب و زنا ، یا نزدیکی کردن با عیال خود در حال حیض ، باید به کفاره یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شمت فقیر را سیر کند .
- اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان جنس مرتبه جماع کند یک کفاره بر او واجب است ، ولی اگر جماع حرام کند یک کفاره جمع باید بدهد .
- اگر روزه دار اول جماع حرام کند و بعد با حلال خود جماع نماید یک کفاره جمع کافی است .
- اگر زنی شوهر روزه دار خود را مجبور کند که جماع نماید (!) واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهد .
- اگر روزه دار در ماه رمضان با زن روزه دار خود در حالیکه خواب است جماع نماید یک کفاره بر او واجب میشود ، ولی روزه زن صحیح است .
- اگر روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد و در روز کاری که روزه را باطل میکند مکرر انحام دهد ، مثلاً چند مرتبه جماع کند ، یک کفاره کافی است .

(آية الله حميني، توضیح المسائل ،

احکام روزه و مبطلات آن)

در احکام حج

بدانکه در حالت احرام دوازده امر مکروه است :

اول حمام رفتن ، دوم شستن جامه احرام هر چند چرکین شود ، سوم بوکردن میوه مثل سیب و به و غیره آن .

چهارم تکلم کردن بغير تلبیات و قرآن و ذکر خدا و حاجت ضروری ، پنجم در جواب احدی لبیک گفتن ، ششم خوابیدن بر فرشی که سفید نباشد ، هفتم تراشیدن سر شخصی که احرام نداشته باشد ، هشتم غسل کردن از برای خنک ساختن بدن ، نهم آنکه جامه احرام از غیر پنبه باشد ، دهم آنکه جامه احرام میل میل باشد یعنی خطها داشته باشد ، یازدهم آنکه سیاه باشد ، دوازدهم آنکه در ابتدای احرام جامه احرام چرکین باشد ، اما اگر در اثنای احرام چرکین شود بوشیدن آن مکروه نیست .

و اما آنچه در حالت احرام بجا آوردن حرام است :

اول شکار کردن یا شخصی را شکار فرمودن ، اما شکار کردن جانوران آبی در حال احرام حرام نیست (۱) و مراد از جانور آبی حیوانی است که در آب تخم کند، پس

۱ - البته مراد شکار این جانوران در مکه و

اطراف آن است که احرام در آنها سینه میشود .

شکار کردن قاز و اردک که درخسکی تخم کنند حرام است ،
 و شکار کردن حیوانی که گوشت آنها حرام است مثل خوک
 و پلنگ و خرگ و باز در حال احرام حلال است . اما
 حائورانسی که شکار کردن آنها در حال احرام حرام است
 شش حائور است و آن شیر (!) و روباه و خرگوش و خاریشت
 و سوسمار و ربوع است . دوم جماع کردن است و
 مقدمات آن مثل بوسه و دست بازی کردن با حلال خود و عقد
 نکاح بستن از برای خود یا از برای دیگری ، اما رجوع
 در طلاق و کنیزک خریدن بقصد آنکه بعد از احرام
 مباشرت کند حائز است . سوم گواه شدن بر عقد نکاح
 و گواهی دادن بآن . چهارم بوکردن مشک و عسبر و عسود
 و صندل و مانند آن ، و در بوکردن گل سرگس و بنفشه میانه
 محنهدین خلاف است . پنجم بینی گرفتن محرم از چیزهای
 بد بو . ششم آنکه مرد وقت راه رفتن در سایه چیزی
 رود که آن چیز بر بالای سر او باشد نه در پهلو او مثل
 سایه دیوار ، اما در سایه کجاوه راه رفتن مرد را جایز
 است هر چند بالای سر او باشد . هفتم کشتن شیش از بدن
 یا آنرا از جامه خود بدور انداختن . هشتم سرمه
 سیاه در حشم کشیدن . نهم حنا بستن . دهم در آئینه
 نگاه کردن . یازدهم دندان کردن . دوازدهم سلاح
 پوشیدن .

(جامع عباسی ، باب پنجم ،
 در انواع حج و آداب آن
 و امور متعلقه)

درا حکام خمس وزکوة

بدانکه در باب رکوة دادن تأکید بسیار شده است .
از آنجمله از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله
منقول است که شخصی که زکوة مال خود نمیدهد خدای
تعالی در روز قیامت مار و افعی براو میگرداند که دست
اورا بگزد و طوق گردن او باشد ، و هر شتر و گاو و گوسفندی
که زکوة اورا نداده باشند آن شخص را در زیر دست و پای
خود میگیرند و شاخداران اورا شاخ میزنند تا وقتیکنه
حساب خلاصی به آخر رسد .

و زکوة در نه چیز واجب است : طلا و نقره و گندم
و جو و خرما و مویز و شتر و گاو و گوسفند . پس در کمتر
از پنج شتر زکوة نیست و تا به بیست و شش شتر نرسد زکوة
هر پنج شتر یک رأس گوسفند است ، و چون به بیست و شش
رسد زکوة آن یک نفر شتر ماده است که یکسال تمام
کرده باشد و داخل سال دوم شده باشد ، و چون به سی
و شش رسد زکوة آن یک نفر شتر ماده است که داخل سال سوم
شده باشد ، و چون به چهل و شش رسد زکوة آن یک نفر شتر
ماده است که داخل سال چهارم شده باشد ، (بهمین
ترتیب تا یکصد و بیست و یک شتر) . و گاو تا سی نرسد
زکوة ندارد ، و چون به سی رسد زکوة آن یک نفر گوساله
است ، خواه نر و خواه ماده که در سال دوم داخل شده
باشد ، و چون به چهل رسد زکوة یک نفر گوساله است که
در سال سوم داخل شده باشد . و گوسفند تا به چهل نرسد

زکوة ندارد و چون به جیل رسد زکوة بیک رأس گوسفند است ، و چون به صد و بیست و یک رسد زکوة دورأس گوسفند است ، و چون به دوست و یک رسد زکوة سه رأس گوسفند است ، و چون به سصد و یک رسد زکوة چهار رأس گوسفند است ، و چون به چهارصد رسد زکوة در هر صد رأس بیک رأس است .

و اما از زمره آنچه خمس بر آن واجب است : غنیمتی که از کافران حربی بدست آید ، و هرگاه معدنی به هم رسد مثل گِلِ ارمینی بشرط آنکه بعد از خرج کردن و صاف نمودن قیمت ، آنچه بماند بیست منقار شرعی باشد ، و زری که در زمین یافت شود پس اگر در بلاد کافران حربی یافت شده باشد دادن خمس آن واجب است ، خواه اثر اسلام بر آن باشد و خواه نباشد ، و همچنین اگر در بلاد اسلام یافت شده باشد و اثر اسلام بر آن نباشد .

و بدانکه نصف خمس تعلق به حضرت صاحب الزمان علیه السلام دارد ، و نصف دیگر به سادات یعنی جمعی که از جانب پدر به هاشم که جد حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منسوب است اگرچه از اولاد حضرت فاطمه زهرا علیه السلام نباشند بشرط آنکه شیعه اثنی عشری باشند . و اما آن نصف که تعلق به حضرت صاحب الزمان علیه السلام دارد در زمان غیبت آن حضرت بر صاحب مال واجب است که به مجتهد دهد .

(جامع عباسی ، باب سوم ، احکام

زکوة و بیان اجناس زکوی و

زکوة مستحبی و احکام خمس)

— خمس را باید دو قسمت کنند : یک قسمت آن سهم

سادات است و نصف دیگر آن سهم امام علیه السلام است که

در این زمان باید به مجتهد جامع شرایط بدهند .

— به سدی که عادل نیست منبذ خمس داد، ولی
به سدی که دوازده امامی نیست نباید خمس بدهد .
— سلت که دانه‌ای است به سرمی گندم و خاصیت

جو دارد زکوه ندارد ، ولی علس که مثل گندم است و
خوراک مردمان صناعا میباشد زکوه دارد .

— اگر صاحب‌کار و عویند و شتر و طلا و نقره در
مقداری از سال مست شود یا بیهوش شود ، زکوه از او
ساقط نمیشود . همچنین است اگر موقع واجب شدن زکوه
گندم و جو و خرما و کشمش مست یا بیهوش باشد .

— اگر در یک زمین جو گندم و چیز دیگری مثل برنج
ولوبیا بکارد فقط خرجهایی که برای جو و گندم کرده
حساب میشود ، و زکوه برنج و لوبیا واجب نیست .

— کسیکه زکوه میگیرد باید شیعه دوازده امامی
باشد ، و اگر از راه شرعی شیعه بودن کسی ثابت شود ،
و بعدا زکوه تلف شود و معلوم شود شیعه نبوده (۱)
لازم نیست دوباره زکوه بدهد .

— اگر انسان زکوه به پدرش بدهد که خرج زن و
نوکر و کلفت خود نماید اشکال ندارد .

— پدر میتواند به پدرش زکوه بدهد که زن بگیرد ،
پسرهم میتواند به پدرش زکوه بدهد که زن بگیرد .

— سید نمیتواند از غیر سید زکوه بگیرد ، ولی
اگر خمس و سایر وجوهات کفایت مخارج او را نکنند
میتواند از غیر سید زکوه بگیرد .

(آية الله خمینی ، توضیح المسائل ، احکام
خمس و زکوة و مسائل متفرقه زکوة)

درا حکام معاملات

— بدانکه خریدن و فروختن بجهای که در شکم مادر و پشت پدر باشد تنها یعنی بی آنکه چیزی به آن ضمیمه کند مکروه است ، و نیز بیع بنده گریخته و مرغ در هوا ، و خریدن و فروختن بشمی که بر پشت حیوانات باشد تنها جائز نیست ، و مکروه است معامله کردن با کسردان و سفلیگان و دونان و اهل برص و جذام ، و معامله کردن با یهودی و نصاری و محسوس ، و زرگری کردن ، و فروختن کنیز حامله که او را خریده باشد و بعد از چهار ماه یا و دخول کرده باشد ، و خریداری نمودن خویشان چون برادر و عم و خال ، و فروختن فرزند کنیزی که از زنا حامله شده باشد .

و مکروه است که بعد از خریدن غلام و کنیز اسام ایشان را تغییر بدهد و یا شیرینی به ایشان بخوراند . و مکروه است سفر دریا کردن جهت تجارت هرگاه ظن غالب سلامتی باشد یعنی در غیر تلاطم امواج دریا . و مکروه است دانستن غلام و کنیز قیمت خود را در وقت خریدن .

و اگر موی بر پشت زهار غلام نباشد ، و غلام بیسی ختنه باشد بشرط آنکه مشتری نداند که او را ختنه نکرده اند ، و در صورت بی قوت بودن دست راست غلام یا قوت داشتن دست چپ او ، پس مشتری هرگاه عالم به این عیوب شود اختیار فسخ دارد .

و میان محنهدین خلاف است در آنکه گرو کردن مرغ
در هوا و ماهی در دریا آیا جایز است یا نه ؟
و حرام است اجاره دادن طفل و محنون و سفیه و
مفلس ، و اجاره گوسفند نر که برگوسفند ماده اندازند ،
و اجاره دادن کسی جهت تصویر صورتیای سایه دار و مکروه
است اجاره شخصی جهت گریه کردن به باطل ، اما جهت
نوحه به حق حائز است .

(جامع عباسی ، باب سهم ، در
تجارت و کسب واجب و مستحب و
مباح و حرام و مکروه و
آداب و احکام آن)

— از معاملات مکروه است : ملک فروشی ، کفین
فروشی ، قصابی ، خرید و فروش گندم و جو ، معامله با
مردمان پست ، معامله بین اذان صبح و اول آفتاب .
— و از معاملات باطل است : خرید و فروش بول
و غایط و مسکرات ، خرید و فروش چیزهایی که مال نیست ،
معامله آلات قمار و موسیقی .

— معامله روغنی که از حیوان بعد از جان دادن
آن میگیرند ، چنانچه در شهر کفار از دست کافران
میگیرند و از حیوانی باشد که اگر رمی آنرا ببرند خون
از آن جستن میکند باطل است .

— اگر یک من گندم را مثلا به یک من گندم و یک
قران بول بفروشد ربا است ، بلکه اگر چیزی زیادتر
نگردد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام
دهد ، باز هم ربا است ، و گناه یک درهم ربا بزرگتر از آن
است که انسان هفتاد مرثه با کسی که با او محرم است
زنا کند . ولی اگر ده تا تخم مرغ بدهد و یازده تا
بگیرد اشکال ندارد .

— اگر مسلمان از کافری که در پناه اسلام نیست ربا بگیرد اشکال ندارد ، ونیز پدر و فرزند و زن و شوهر میتوانند از یکدیگر ربا بگیرند .

— فروختن اسبی که فرار کرده صحیح نیست ، ولی اگر بندهای را که فرار کرده همراه با یک فرش یا نظیر آن بفروشد ، اگرچه آن بنده پیدا نشود ، معامله صحیح است ، و در غیر بنده معامله مشکل است .

— اگر بخواهند میوه‌ای را که برداخت است ، پیش از آنکه گلش بریزد بفروشند ، باید چیری از حاصل زمین مانند سبزیها را با آن بفروشند .

— اگر خرمائی را که زرد یا سرخ شده برداخت بفروشند اشکال ندارد ، ولی نباید عوض آنرا خرما بگیرند ، فروختن خیار و بادنجان اشکال ندارد .

— بچه صغیری را که ولی ندارد بدون اجازه مجتهد نمیتوان اجیر کرد ، ولی کسی که به مجتهد دسترسی ندارد میتواند از یکنفر مؤمن که عادل باشد اجازه بگیرد و او را اجیر نماید .

— اگر کسی بچهای را ختنه کند و ضرری بآن بچه برسد یا بمبرد ، چنانچه بیشتر از معمول بریده باشد ضامن است ، و اگر بیشتر از معمول نبریده باشد ضامن نیست .

(آیه‌اله خمینی ، توضیح المسائل ، احکام خرید و فروش و معاملات مکروه و باطل)

درا حکام نکاح

بدانکه مکروه است نکاح زنان سفیه ، و نکاح
دختری که نگاه به عورت مادر او کرده باشند ، و نکاح
زن سنی ، و نیز از مکروهات است : عقد کردن در وقتی
که قمر در برج عقرب باشد ، و عقد کردن در سه روز آخر
ماه ، و ترک بسم الله کردن در حالت دخول ، و در حال
جماع نگاه کردن به فرج زن ، ولی گراحت دیدن اندرون
آن بیشتر است و بعضی از محتهدین این را حرام میدانند ،
و در حدیث آمده که اگر فرزندی در این حال حاصل آید
کور خواهد بود ، و مکروه است سخن گفتن در حال جماع
خصوصاً مرد را مگر ذکر خدای تعالی (!) ، چه در حدیث
آمده که اگر در حال جماع سخن گویند فرزندی که حاصل
شود گنگ خواهد بود ، و مکروه است نکاح زن با مرد
فاسق خصوصاً اگر شرابخوار یا سنی یا مستضعف باشد ، و
مکروه است نکاح کردن زنان سیاه پوست سواى زنان
مملکت نوبی ، و مکروه است ربختن می در غیر فرج زن
آزادی که به عقد دوام او را خواسته باشد ، بسی اذن
او ، و مکروه است خوابیدن میان دو زن آزاد ، اما
خوابیدن میان دو کنیز مکروه نیست .

و حرام است دخول کسی برکنیزی که پسر او بسدو
دخول کرده باشد ، اما اگر هر یک از پدر و پسر زن
یکدیگر را به شبهه دخول کنند (!) آیا بردگری حرام
میشود یا نه میانه محتهدین در آن اختلاف است ، و اصیح

آن است که حرام نمیشود . همچنین خلاف است مانده
مجتهدین در اینکه کنیزی را که پدر یا پسر دست به شهوت
به او مالیده باشند یا نگاه کرده باشند به جایی که
غیر از آفا کسی دیگر دست بتواند مالیدن و نگاه کردن،
آیا به مجرد نگاه کردن یا دست مالیدن یکی حرام مؤید
میشود بر دیگری ، اقرب آن است که حرام نمیشود بلکه
مکروه است . و بعضی از مجتهدین بر آنند که اگر سر دست
مالیده باشد بر پدر حرام نمیشود، اما اگر پدر دست
مالیده باشد بر پسر حرام میشود .

و اگر زن بزرگ شخصی زن کوچک او را شتر دهد (!)
هر دو بر شوهر حرام میشوند هرگاه به زن بزرگ دخول
کرده باشد ، و اگر دخول نکرده باشد زن بزرگ حرام
میشود و بی .

و زنانی که شوهر داشته باشند و جمعی با ایشان
زنا کنند در این صورت آن زنان بر آنهایی که به آنها
دخول کرده اند حرام مؤید میشوند .

و دختران عمه و خاله بر کسی که با عمه و خاله خود
زنا کند حرام مؤید میشوند . اما اگر به عمه و خاله
به شبهه دخول کرده باشد یا عقد دختران ایشان پیش
از زنا با ایشان واقع شده باشد حرام نمیشوند .

و حرامند مادران و دختران و خواهران مردایی که
با ایشان لواط کرده باشند و تمام یا قسمتی از جنف
(آلت) در مقعد ایشان غایب شده باشد . در ایبیس
صورت مادران و خواهران و دختران شخص لواط دهنده بر
لواط کننده حرام مؤید میشوند هرگاه عقد ایشان پیش
از لواط کردن نباشد ، ولی میان مجتهدین خلاف است در
حرام بودن مادر مادر او (!) و دختر دختر او ، اما
یقین است که دختر خواهر او حرام نمیشود .

و در حرام بودن جمع میانه عمه و خاله و دختر

برادر و دختر حواهر هرگاه کسیر باشند خلاف است میانه
مجنه‌دین ، و افضل المأخرین بقاء الملة والدین محمد
طاب ثراه نیز در این مسئله با ایشان متفق بوده‌اند ،
زیرا که در این باب حدیثی بنظر نرسیده است .

و دختری که هنوز نه سال نداسه باشد و شوهر
با او دخول کند و مخرج حیض و بول یا مخرج بول و غایب
او یکی شود بر شوهر خود حرام مؤید میشود ، اما اگر
دختر بالغ باشد و شوهرش چون با او دخول کند این حال
و افع شود آیا حرام مؤید میشود یا نه ؟ میانه مجنه‌دین
در آن خلاف است . همچنین خلاف است در اینکه اگر بکارت
دختری را بانگشت ببرند آیا حرام مؤید میشود یا نه ؟
و اقرب آن است که حرام نمیشود .

و هرگاه هر یک از دو شخص ، دختر خود را به نکاح
دیگری دهند که مهر هر یک از آنها فرج دیگری باشد
این نکاح باطل است و آنرا شقار میگویند .

(جامع عباسی ، باب یازدهم ،

در نکاح و احب و سنت و حرام

و مکروه و مساج و نکاح

متعمیه و کسیر)

x x x

— بدانکه در خوابیدن شب پیش زنان میانسه
مجنه‌دین اختلاف است که آیا واجب است یا نه ؟ بعضی از
مجنه‌دین گفته‌اند که واجب نیست مگر آنکه میانهایشان
ابتدا به قسمت کنند و بعضی از مجنه‌دین بر آنند که اگر
کسی یک زن داشته باشد قسمت واجب نیست . پس اگر مرد
زیاده از یک زن دائمی نداشته باشد براولازم است

که در هر چهار شب یک شب نزد او بخواهد ، پس اگر دو زن داشته باشد دوشب پیش ایشان بخواهد و دوشب دیگر هر جا که خواهد بخواهد ، و اگر سه زن داشته باشد سه شب پیش ایشان بخواهد و یکشب هر جا که خواهد بخواهد ، و اگر چهار زن دائمی داشته باشد واجب است که هر شب پیش یکی از ایشان بخواهد . و روز پیش زنان بودن لازم نیست . و در شب خوابیدن مابین زمان ابتدا به زنی کند گسه نام او به قرعه بیرون آید . و اگر کسی بیگ زن آزاد داشته باشد و یک کنیز ، دوشب پیش زن آزاد بخواهد و یکشب پیش کنیز و پنج شب دیگر هفته (۱) هر جا که خواهد بخواهد . و اگر شوهر به سفر رود شب خوابیدن پیش زنان ساقط میشود ، و آیا قضای آن بر شوهر واجب است یا نه ؟ میانہ محتهدین در این باره اختلاف است . و واجب در شب خوابیدن پیش زن آن است که نزدیک او بخواهد ، اما دخول کردن بوزن لازم نیست مگر در چهار ماه یکنویت . و کسیکه بواسطه مانعی شب پیش زنان خستود نتواند خوابید چون پاسیانان و شبگردان ، روز ایشان بجای شب ایشان است .

و اگر دختر بکر به خانه شوهر آرنند یا ید هفت شب پیش او خوابیدن و اگر بکر نباشد سه شب پیش او بخواهد . و جائز نیست که زن عوض شب خوابیدن چیزی از شوهر بگیرد ، و اگر شوهر در شب پیش زنان برایشان ظلم کند واجب است که آن را قضا کند بقدر آنچه پیش ایشان نخواهیده باشد .

— بدانکه بمحض دخول کردن در قُبُل یا در دُور زن ، پرداخت مهر او واجب میشود ، خواه به عقد صحیح باشد و خواه به شبهه ، و ممکن نیست که دخول بی مهر

۱- البته شرعاً اشکالی ندارد که هفته هشت شب داشته باشد .

باشد ، و واجب نیست در یکبار دخول کردن الا یک مهر ، مگر در پنج موضع : اول آنکه شخصی کنیز دیگری را به شبهه دخول کند و در اثنای دخول کردن آقای آن کنیز او را بفروشد و تا تمام نشدن دخول در ملک آقای دوم باشد ، و بعضی از محققین گفته اند که در این صورت دخول کننده دو مهر میدهد ، یکی به آقای اول و یکی به آقای دوم . دوم آنکه زن پسر را پدر به شبهه دخول کند ، در این صورت بعضی از محققین سر آنند که پدر دو مهر میدهد ، یک مهر به زن جهت دخول با او و یک مهر به پسر خود جهت فسخ نکاح میانه پسر و زن . سوم آنکه شخصی زنی را نکاح کند و پسر او دختر آن زن را نکاح کند ، آنگاه دختر را پدر به شبهه وطی کند و مادر را پسر ، در این صورت هر کدام زودتر دخول کرده باشد مهر آن زنی را که به شبهه دخول کرده با اضافه نصف مهر زن خود را میدهد ، و آنکس که بعد از او دخول کرده نیز یک مهر و نصف مهر میدهد و در نصف مهر رجوع میکند بر کسیکه پیشتر دخول کرده باشد . پس آن کس که پیشتر دخول کرده باشد دو مهر میدهد . چهارم آنکه هرگاه شخصی دو زن را در دو وقت عقد کرده باشد و با زنی که آخر عقد کرده است دخول کند ، و آنگاه ظاهر شود که یکی مادر و دیگری دختر بوده ، در این صورت آن زنی که به شبهه دخول به او واقع شده تمام مهر را میگیرد و آن زنی که پیشتر عقد او کرده اند نصف مهر را میگیرد ، پس به سبب دخول کردن یک مهر و نصف میدهد . پنجم آنکه با زن بیائسه یعنی زنی که از حیض دیدن مأیوس شده باشد دخول کند و در اثنای دخول کردن او را طلاق گویند در این صورت مهر مسمی و مهر المثل بآن زن میدهد ، و اگر

در ثانی عقد کند دومهر مسمی میدهد .
(جامع عباسی ، بابد وازدهم ، اقسام
طلاق ازواج و حرام و مکروه و سنت)

x x x

— بدانکه : هر یک از مرد یا زن پیش از عقد نکاح
دیوانه باشد ، خواه دیوانگی او دائمی باشد و خواه
دوری ، و خواه دخول کرده باشد و خواه نکرده باشد ، فسخ
نکاح میتواند کرد ، اما اگر بعد از عقد دیوانگی حادث
شود درین صورت مرد نکاح را فسخ میتواند کرد ، اما زن
نکاح را فسخ نمیتواند کرد .

و اگر مرد پیش از عقد خصی باشد یعنی خصیه
نداشته باشد زن فسخ نکاح خود میتواند کرد ، اما اگر
بعد از عقد حادث شود فسخ نمیتواند کرد . همچنین
است حکم کسیکه خصیه او را کوفته یا بریده باشند پیش
از دخول ، ولی اگر بعد از دخول باشد در باره خصیه
بریده مجتهدین را دو قول است ؛ اگر یک خصیه را بریده
باشند و خصیه دیگر باشد زن اختیار فسخ ندارد .

و اگر هر یک از زن یا شوهر جذام داشته باشند
فسخ نکاح میتوانند کرد ، ولی بنی از مجتهدین جذام
را فقط در زن عیب میدانند و میگویند اگر مرد جذام
داشته باشد زن فسخ نکاح او نمیتواند کرد .

و اگر زن قرن داشته باشد ، و قرن چیزی است
مشابه استخوان که در فرج زن بهم میرسد و مانع از
دخول کردن میشود ، در این صورت مرد فسخ نکاح او
میتواند کرد .

و اگر زن عفل داشته باشد ، و آن چیزی است که در فرج زن بهم سرسد مثابه گوشت باره که مانع دخول میشود ، در اینصورت برفول بعضی از مجتهدین سرردرا فسح نکاح او سرسد .

و اگر زن رتیق داشته باشد ، و آن بهم آمدن فسرح و روئیدن گوسر روی آن است بسوعی که دخول کردن سآن دشوار باشد ، برفول بعضی از مجتهدین مرد در اینصورت فسح نکاح او میتواند کرد .

و اگر مخرج بول و حنی یا مخرج بول و غایط زن یکی باشد ، در اینصورت مرد فسح نکاح او میتواند کرد .
و اگر هر یک از زن و شوهر حنی نباشد ، در این صورت بعضی از مجتهدین گفته اند که فسح نکاح میتواند کرد .
و بدانکه خسار فسح فوری است ، و در فسح کسردن نکاح به عبادن حاکم شرع نسبت .

(جامع عباسی ، باب دوازدهم .

در شروط طلاق و طلاق با ایمنی

و رجعی و حلیع و مسا رات)

x x x

— عقد ازدواج بر دو نوع است : عقد دائم که مدت زناشویی در آن معین نشود ، و عقد غیردائم که مثلا زن را به مدت یکساعت یا یکروز یا یکماه یا یکسال یا بیشتر عقد نمایند ، و زنی را که با این قسم عقد کنند متعه یا صیغه مینامند .

— زن و مرد تا یقین نکنند که وکیل آنها صیغه را خوانده است ، نمیتوانند بیکدیگر نگاه محرمانه نمایند ، و گمان به اینکه وکیل صیغه را خوانده است کافی نیست .

— صیغه عقد ازدواج باید به عربی صحیح خوانده شود ، بدون یک حرف غلط ، و کسیکه دستور زبان عربی را نمیداند اگر قرائتش صحیح باشد میتواند عقدا را بخواند .

— پدر و جد پدری میتوانند برای فرزند نابالغ یا دیوانه خود که به حال دیوانگی بالغ شده است ازدواج کنند و بعد از آنکه آن طفل بالغ شد با دیوانه عاقل گردید ، اگر ازدواجی که برای او کرده اند مفیده‌ای نداشته باشد نمیتواند آنرا بهم بزند .

— دختری که بعد بلوغ رسیده و مطهرت خود را تنحص میدهد ، اگر بخواهد شوهر کند چنانچه باکره باشد باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد ، ولی اجازه مادر و برادر لازم نیست .

— اگر پدر یا جد پدری برای پسر نابالغ خود زن بگیرد ، پسر باید بعد از بالغ شدن خرج آن زن را بدهد .

— اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد میتواند عقد را بهم بزند : اول دیوانگی . دوم خوره . سوم برص . چهارم کسوری . پنجم شل بودن . ششم آنکه راه نول و حیض و غایب او یکی شده باشد ، ولی اگر راه حیض و غایب او یکی شده باشد بهم زدن عقد اشکال دارد . هفتم آنکه گوشه با استخوانی یا غده‌ای در فرج او باشد که مانع نزدیکی گردد .

— اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او دیوانه است ، یا آلت مردی ندارد ، یا عین است و نمیتواند وظی نماید ، یا تحمهای او را کشیده‌اند ، میتواند عقد را بهم بزند .

— اگر اسان پیش از آنکه دختر عمه یا دختـر خاله خود را بگیرد با مادر آنان رنـا کند دیگر نمیتواند با آنان ازدواج نماید ، ولی اگر با دختر عمه یا دختر خاله خود ازدواج نماید و پیش از آنکه با آنان نزدیکی نماید با مادرشان رنـا کند عقد آسان اشکال ندارد .

— اگر بـارنی غیر از عمه و خاله خود رنـا کند ، احتیاط واجب آن است که با دختر او ازدواج نکند ، ولی اگر زنی را عقد نماید و با او نزدیکی کند و بعد با مادر او رنـا کند آن زن بر او حرام نمیشود ، و همچنین است اگر پیش از آنکه با او نزدیکی کند با مادر او رنـا نماید .

— زن شوهر دار اگر زنا بدهد بر شوهر خود حرام نمیشود .

— مادر و خواهر و دختر بـسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است ، اگرچه لواط کننده و لـواط دهنده بالغ نباشند ، ولی اگر گمان کند که دخول شده ، یا شک کند که دخول شده باشد ، بر او حرام نمیشوند .
— اگر با مادر یا خواهر یا دختر کسی ازدواج نماید و بعد از ازدواج با آن کس لواط کند ، آنها بر او حرام نمیشوند .

— اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند ، و پیش از آنکه نه سال دختر تمام شده باشد با او دخول کند ، چنانچه راه بول و حیض یا راه حیض و غایط او را یکی نماید دیگر نباید با او نزدیکی کند .

— زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود ، و باید خود را برای هر لذتی که شوهرش میخواهد تسلیم او کند . و اگر در این موارد

اطاعت شوهر را بکند گناهکار است و حق غذا و لباس و منزل ندارد.

— زنی که صیغه شده اگر چه آستن نمود حق حرجی ندارد ، و از شوهر ارث نمیرد .

— اگر در حال باجاری ، زن بخواهد زن دیگری را مردی غیر از شوهر خود را تنقیه کند یا عورت او را آب بکند باید جبری در دست کند که دست او به عورت آن مرد نرسد ، و همچنین است اگر مرد بخواهد مرد دیگری با زنی غیر زن خود را تنقیه کند یا عورت او را آب بکشد .

— اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد ، ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند ، و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند .

— اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند ، بنا بر احتیاط واجب باید آئینه را در مقابل گذاشته و در آن نگاه کند .

— اگر زن بگوید یا شهام نباید حرف او را قبول کرد ، ولی اگر بگوید شوهر ندارم حرف او قبول است .

— مستحب است در شوهر دادن دختری که به نه سال رسیده و مکلف شده است عجله نکنند . حضرت صادق علیه السلام فرمودند یکی از سعادت‌های مرد آن است که دختری در خانه او حیض نبیند .

— هرگاه مرد در روزه ماه رمضان یا در حال حیض زن با او نزدیکی کند معصیت کرده ولی اگر بچه‌ای از آنان بدنیا آید (!) حلال زاده است .

— برای شبر دادن بچه سزاوار است که مسادر از شوهر خود مزد نگیرد ، و اگر بخواهد بیشتر از دایه

مرد نکند سوهر منواید بعد را از او گرفته و بدهداید
بدهد .

— رسی کند به سال تمام سده شده بدارد ، یعنی
اگر چه شوهرش با او نزدیکی کرده باشد بعد از طلاق
منواید سوهر او نکند .

— استیاق عده طلاق از موافقی است که حواست
صیغه طلاق تمام مسود ، خواه زن بداند یا حیر .

— اگر یارن نامحرمی گمان اینکه عمال حسود
او است نزدیکی کند ، چه زن بداند که او شوهرش
نیست و چه گمان کند که شوهرش مساند ، باید عده
نگهدارد .

— اگر یارنی کند میداند عمالی نیست رنا کند ،
حسانچه زن نداند که آن مرد شوهرش نیست ، بنا بر
احتیاط واجب باید عده نگهدارد .

— اگر کسی زن خود را بدون اینکه او بفهمد طلاق
بدهد و مثلاً بعد از یکسال بگوید بکمال پیش ترا طلاق
دادم ، و سرعاً هم ثابت کند ، منواید چیزهایی را که
در این مدت برای زن تهیه نموده و او مصرف نکرده است
پس بگیرد ، ولی چیزهایی را که مصرف کرده نمیتواند
مطالبه کند .

— وارد نمودن منی مرد در رحم زوجه او بنا
آلانی مثل آب دزدک اشکال ندارد ، بشرط آنکه مرد منی
خود را بوجه حلالی بدست بیاورد . ولی اگر منی مرد را
در رحم زنش وارد نمودند چه بوجه حلال وجه به بوجه
حرام ، و از آن بچه تولید شد اشکالی نیست . اگر منی
مردی را داخل رحم زن اجنبیه نمودند و معلوم شد بچه
از آن منی است ، پس اگر این عمل بطور شبهه مسوده
یعنی گمان میکرد زن خودش هست و زن نیز گمان میکسرد